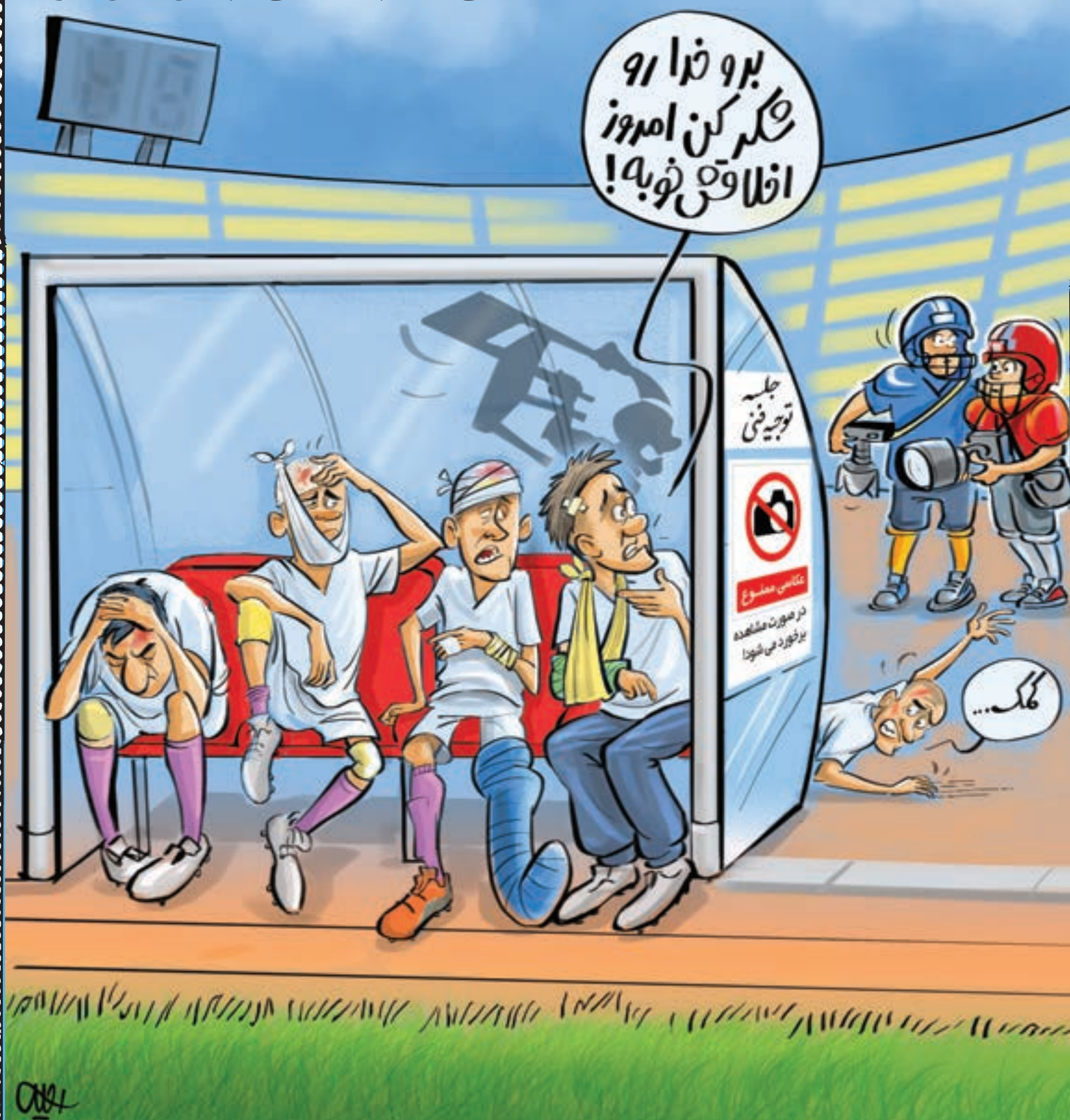


پلخمون

قیمت: قبلا حساب شده:

ضمیمه طنز و کاریکاتور روزنامه شهرآرا | شماره ۷۸
شماره روزنامه ۳۹۷۶ | شنبه ۱۰ تیر ۱۴۰۲

توجیه عجیب مربی یک تیم لیگ سه، بعد از مغلوب کردن عکاس شهرآرا:
نباید وقتی بازیکنم را تنبیه می‌کنم از من عکس بگیرند!



کارتون: محمدعلی رحیمی

میلان / صفحه ۷

از پریگوزین
تا پریسا!

گیر کنی / صفحه ۵

فواید بی‌شمار ۸۸۸۸۸
دو چرخه را بر شمارید

پیشنه اینچور برده / صفحه ۲

فوتبال یا مشت و
مال؟



سمانه صالحی

سبک کن

نون و ماست لاکچری

بعد از اینکه لذت خوردن تن ماهی به دلیل گرون شدن از ما گرفته شده، گفتیم خب دنیا که به آخر نرسیده، این همه کنسرو دیگه هست که می شه خورد. مثلاً کنسرو کله پاچه! از اون جایی که به ایرانی از هر چیزی کنسرو شو درست کرده، خب کنسرو کله پاچه هم داریم و دوشواری نداره. اما مثل اینکه بهتره زیاد سمت این پیشنهاد نریم. ۸۰۰ گرم کله پاچه حاوی زبان و گوشت و بنا گوش و پاچه و مغز و چشم. ۳۲۰ هزار تومن. باز همون تن ماهی که بهتر بود. حداقل می شه دو سه تا تن ماهی بگیري بخوری تا چند روز بعد سیری.

مثل اینکه این کنسروها به ما نیومده و پیشنهاد می کنیم در این روزهای گرم تابستان، بهتره از غذاهای دیگه ای استفاده کنیم که مختص همین فصله و خیلی راحت و اصلانیازی به پخت و پز نداره. بله، درست حدس زدین، آب دوغ خیار. یکم ماست می خواد فقط که اونم چیزی نمی شه. خیار هم که ارزونه، بله؟ چی شده؟ به سطل ماست ۷۰ هزار تومن؟ مگه توش کله پاچه داره؟ چی ریختن که این قدر گرون شده؟ دیگه ماست که ارزون بود، ما داشتیم به گوشه نون و ماست مومنو می خوردیم، کاری به کار کسی نداشتیم، همینم گرون کردین؟ ای بابا. فعلاً هیچی نخورین تا ببینیم چی می شه. ما خودمونم اینجا منتظر بودیم عید قربان بشه. برا مون گوشت بیارن. دیگه با این وضع نمی شه چیزی خورد که. فکر کنم باید رژیم دو وعده ای چینی رو شروع کنیم. حالا از بحث خورد و خوراک که بگذریم، می رسیم به بحث مهم و جذاب مسکن.

از پشت صحنه اشاره می کنن اصلاً وارد این بحث نشیم، قیمت ها اون قدر فضایی و وحشتنا که دیگه اگر افسردگی ماژور بگیرین، حداقل دچار یاس لحظه ای خواهید شد. پس همین جا متن رو تموم می کنیم و دعا می کنیم حداقل به نون خالی گرون نشده. بذارین نون برای ما معمولی ها بمونه.

صفحه ۲
۱۰ تیر ۱۴۰۲
شماره ۷۸



مشه ایجور به؟

خسرو آبادیان

کار بخوره به اون شکم تون!

تیر- یک مسئول گفت: چینی ها قانع هستند و هر روز فقط دو وعده غذا می خورند.

مرداد- یک مسئول گفت: راستی یادم رفته بود بگویم بعضی چینی ها همان دو وعده را هم دو تا قاشق چای خوری بیشتر غذای می خورند و بعدش می گویند: وای! دیگه ترکیدم از بس خوردم!

شهریور- یک مسئول گفت: برایم جای تعجب است چرا با اینکه مشهدی ها یک وسیله حرفه ای شکار به نام پلخمون دارند و در محیط زندگی آن ها چنوک های زیادی در حال پرواز هستند ولی باز هم می خواهند مرغ بخرند!

مهر- یک مسئول گفت: مردم حواسشان باشد که با آمدن پاییز برگ درختان می ریزد و تا چند وقت دیگر از این برگ ها خبری نیست. پس بیاتقدر برگ ها را بداریم. وی ادامه داد:

چند هزار سال پیش انسان های اولیه با همین برگ ها خودشان را می پوشاندند. تازه الیاف مصنوعی و شیمیایی ندارند. خلاصه اینکه برگ درختان سبز در نظر هوشیار هر ورش را می شود به عنوان پوشاک استفاده کرد. البته الان چون پاییز است رنگ بندی هم دارد: سرخ، زرد، نارنجی، ارغوانی! **آبان-** یک مسئول گفت: مردم در حالی از گرانی مواد غذایی ابراز ناراحتی می کنند که دانشمندان معتقدند هر انسان هشت هفته می تواند بدون غذا زنده بماند.

آذر- یک مسئول گفت: مردم یکی از مناطق می گویند چرا الان که فصل پاییز است، چند روز است آسمان قطع است؟ کاش مردم بیشتر مطالعه کنند و بدانند که هر انسان می تواند تا یک هفته بدون آب هم زنده بماند.

دی- یک مسئول گفت: چرا تو ی جلسه جلو ما فقط سیب و موز و پرتقال گذاشتند؟ دفعه بعد انار هم بگذارید، انار ساوه!

فوتبال یا مشیت و مان؟

تیر- مربی یکی از باشگاه های دسته سه کشور، عکاس روزنامه شهر آرا را با مشیت زد و در توجیه کارش گفت: وقتی دارم باز یکم را تنبیه می کنم نباید کسی عکس بگیرد.

مرداد- مربی یکی از باشگاه های دسته سه کشور به چشمان یک خبرنگار مشیت زد و گفت: شما فکر می کنید من بدون دلیل تو ی چشمش زدم در حالی که او چشمش شور بود و باعث شد تیم مادر دقایق هشتاد و هم چنین نود و یک دوتا گل بخورد. دیدید بعد از اینکه دیگر چشمش نمی دید ما گل نخوردیم. یکی از خبرنگاران گفت البته علت اینکه دیگر گل نخوردید این بود که سوت پایان بازی زده شد. **شهریور-** مربی یک تیم دسته سه کشور در یک کنفرانس خبری در ورزشگاه ثامن مشهد گفت:

من از بس اخلاق ورزشی را رعایت می کنم باید به من یک کاپ اخلاق بدهند.

پس از این حرف، یکی از خبرنگاران حاضر در این کنفرانس خبری شروع کرد به خندیدن.

آذر- بازیکنی که به حرف های مربی باشگاه دسته سوم خندیده بود امروز از کما خارج شد.

دی- یکی از شرکت های بزرگ بیمه کشور اعلام کرد تمام خبرنگارانی که هنگام برخورد با مربی تیم دسته سوم آسیب ببینند، بیمه می شوند و اگر آسیبی ببینند دیه آن پرداخت می شود.

بهمن: یکی از شرکت های بزرگ بیمه کشور ورشکست شد.

کُخ تو رُخ

منصوره احمدی

جلسه شورای عالی فضای مجازی



۱ برادر اکی اینترنت داره؟

۲ برای من از پرپر قطع

۴ آقای زارع پور! مگر نگفتین سرعت اینترنت ۲ برابر شده؟

۳ مال من که کانکتینگ زده...

دیدار وزیر کار قطر و هیئت همراه با معاون رئیس جمهور



۱ ماشاء... ماشاء... چه لباس های یک جور و یک دستی. گروه سرود تون

۲ ترجمه: اساساً ما یک توپ پارچه می خریم همه عین هم می دوزیم تازه اضافی ها رو هم برای رخت خواب و دمکنی و روبالشتی می گذاریم

در حاشیه سفر وزیر راه و شهرسازی به اصفهان و حضور مهمانان خارجی



۱ جسار تاداداش اینجا به ما غذای دین؟ غروب شد، نه صبحونه دادین، نه ناهار، ضعف کردیم.

۲ ها خوب شد گفتی راستی. به ما گفتن شما چینی ها نهایت روزی به وعده غذا می خورین بقیه شو، فتوسنتر می کنین؟ دوگانه سوزین نه؟

پارک محیط بان کرج



۱ فک کردم گفتی ناهار استامبولیه! اینکه همون همیشه است.

۳ حالا استامبولی یا پیرکس! چه فرقی داره آقایون؟ مهم اینه هر چند وعده بخوایم می خوریم، کسی هم لقمه هامون نمی شمیره.

۲ استامبولی اسم ظرفشه گوزن!

فواید بی شمار ۸۸۸۸۸ دوچرخه را بر شما برده

همیشه که نباید غرزد. اگر کار خوبی هم می بینیم، باید آن را جار بزنیم و تشکر کنیم، البته باروش نیش دار خودمان تا مسئولان هم از تعریف ماخلیلی خوش خوشانشان نشود و یادشان نرود که باید باهمین دست فرمان پیش بروند. با خبر شدیم ۸۸۸۸۸ دوچرخه با شرایط اقساط قرض الحسنه به مشهدی ها اختصاص یافته است. برویم فواید مختلف این تصمیم را برای گروه های مختلف جامعه مرور کنیم.



کارتون: محمدعلی رحیمی

مسئولان، هر دوچرخه را به دست

بر خلاف تصور عموم، این کار بیشتر از مردم برای خود مسئولان مفید است، به چند دلیل. اگر تصویب شود که اتوبوس را یگان خواهد شد، با وجود این دوچرخه ها مسافر کمتری سوار اتوبوس می شود و مسئولان باید من کارت کمتری به جای مردم بزنند! ضمن اینکه دوچرخه مثل خودرو نیست که مدل های مختلفی داشته باشد و مسئولان پژو و لند کرو را با هم اشتباه بگیرند. همه دوچرخه ها دو چرخ دارند و خلاص. به اضافه اینکه با حضور دوچرخه ها در خیابان، ترافیک کمتر می شود و مسئولان راحت تر می توانند با خود را اختصاصی در شهر تردد کنند.

ریگه شهروندان، پابزن هم وطن!

بقیه هم دیگر برای کاهش وزن لازم نیست پول باشگاه بدهند. در سربالایی ها هنگام رکاب زدن می توانند به مشکلات زندگی فکر کنند تا انرژی بگیرند. در سربالایی ها به چیزهای خوب فکر کنند تا شل شوند. پشت چراغ قرمز کسی نمی آید روی شیشه آب بپاشد و بادستمال چرب تهدید کند تا پول بگیرد...! خلاصه این خبر، خوب خبری است! دست باعث وبانی اش درد نکند، به شرط اینکه پنجر نشوند!

مخالف فون زیرکباب

یکی دیگر از برنده های این مصوبه پدران و مادران هستند. همان هایی که از بدو تاریخ به فرزندان شان قول می دادند اگر تخم آن داینا سور را شکار کنی یا نمره ات خوب شود یا فلان کار را بکنی یا فلان جاقبول شوی برایت دوچرخه می خریم و بعدا مثل دولتمردان، وعده ساخت مسکن و از بین بردن بیکاری و بقیه وعده های شان را بیکه فراموش می کردند، حالا با خیال راحت نه لازم است قولی بدهند، نه خودشان را به خواب بزنند، نه پشت سرشان را بخاراند و بگویند: «من چنین قولی دادم؟ کی؟ آهان... منظورم این بود که برات دوچرخه می خرم، یعنی نونی که زیر کباب دوبار چرب شده... اونم برات خوب نیست بابا... بزن اون کانال اخبار شروع شد!»

سبیل بابی همه می چرخه

بچه ها هم از این موضوع دوچرخه ها بسیار کیف خواهند کرد و دیگر لازم نیست برای خرید دوچرخه به جان پدر و مادرشان غر بزنند. می توانند غرهایشان را برای چیزهای مهم تری مثل ماشین، خانه، شغل، ازدواج، موبایل، کفش، لباس و... بزنند! تازه ۸۸۸۸۸ دانش آموز می توانند با خیال راحت و حتی یکصدتا به همدیگر بگویند «دوچرخه» و جواب بدهند «سبیل بابات می چرخه» که باعث انبساط خاطر و شادی آفرینی در جامعه هم می شود!

صفحه ۴
۱۰ تیر ۱۴۰۲
شماره ۷۸

چگونه در
جامعه رفتار
بهینه داشته
باشیم؟



فرهنگ شهروندی

ماده چهارم

هشدار! این مطلب حاوی کلماتی است که ممکن است برای همه مناسب نباشد. لطفاً از خواندن آن توسط کودکان کوچک تر از ۷۰ سال جلوگیری کنید.

★ به روی همشهری های تان احم کنید: طبق تحقیقات جدید دانشمندان، احم کردن یکی از نکات جذب افراد به سمت خود است. بدین گونه که با احم شما، همه افراد قلبشان به تلاطم می افتد و می گویند: «عاشق احم

لعتیش شدم. برم باهاش معاشرت کنم». پس احم را چاشنی مهم زبان بدنتان قرار دهید و آن قدر از آن استفاده کنید که پیشانی تان چروک بیفتد.

★ با طلبکاری با مردم صحبت کنید: هر چه در بر خورد با افراد طلبکارتر باشید، کارهایتان زودتر روی روال می افتند. وقتی از جانب قدرت و به شکل دستوری با مردم حرف می زنید، آن ها از جذبه شما لذت می برند و

سعی می کنند در سریع ترین حالت ممکن خواسته شما را برآورده کنند و دیگر با شما ارتباط نداشته باشند تا برق جذبه تان کورشان نکند.

★ تنه بزنید، پشت کفش را در بیاورید و عذرخواهی نکنید: اکثر انسان ها طوری هستند که وقتی شما تنه می زنید یا به نوعی به آن ها آسیب می زنید، اگر عذرخواهی کنید، ماجرا را ادامه می دهند و وقت شما را بیهوده می گیرند. پس اگر سهوا



کی از همه قشنگ تره؟ مدرسه غیرانتفاعی!

رئیس دیوان عدالت اداری گفته: «شهر به مدارس غیرانتفاعی باید شفاف به مردم اعلام شود.» در همین راستا، پته این مدارس را ریخته ایم روی آب تاسرا از جیک و پوک شان در بیاورید.

درباغ سبز که و سه و سه؟

موقع ثبت نام، چنان از برنامه هایی که دارند حرف می زنند که والدین طفلی خیال می کنند اگر بچه شان را اینجاست نام نکنند، خسرفی الدنيا والاخره می شوند و به هوای اینکه از بچه شان یک پروفیسور سمیعی یا دکتر شریعتی در بیاید، به هر ضرب و زوری که شده، پول شهریه را جور می کنند.

تاپول داری رفیقته

برخی از مدارس غیرانتفاعی فکر می کنند جیب پدر دانش آموز به شیلنگ بانک مرکزی وصل است و مدیر باید مثل علی بابا، ورد «سسمی باز شو» بخواند! مورد داشته ایم پدر بچه با توپوتا آمده مدرسه که فقط شرایط ثبت نام را بپرسد، ولی با پراپد رفته بیرون! شهریه ها آدم را یاد فیلم های علمی تخیلی می اندازد. یک سال در مقطع ابتدایی ۵۰ میلیون چوق آب می خورد. چهار تا الفبا و دو تا جمع و تفریق را چند حساب می کنند لا کردارها؟!!

سیاه نمایی در حالیه

شایعات می گویند تعدادی از گنده لات های مدارس یک روز دور هم جمع شدند و تصمیم گرفتند در یک حرکت نا جوانمردانه، از پشت به مدارس دولتی خنجر بزنند. این شد که اوره و اوره و شمسوی کوره از فردایش چو انداختند که اگر می خواهید آبی کیوی بچه تا یک شبه از کف بچسبد به سقف، فقط باید ببردش مدرسه غیرانتفاعی. کم کم استقبال از مدارس دولتی کم شد و والدینی که بچه شان را مدرسه دولتی ثبت نام کرده بودند، دچار اضطراب شدند که نکنند بچه هایشان خنگ شوند! پس هر شب یک دفعه در اتاق بچه را باز می کردند تا ببینند گوش هایش دراز شده و دم در آورده یانه!

ماخپل متنو کیمه

انواع و اقسام کلاس های ادبی و بی ادبی و غیر ذلک به صورت منوی باز وبسته، توی مدارس غیرانتفاعی موجود است از جمله کلاس یوگاری انگشت شست،

سوالات تستی

فرانک اشتاین

۱. دلیل استقبال مردم و احتمال چند شیفته شدن مدارس غیرانتفاعی چیست؟

- کاهش تورم نقطه تونقطه
- اضافه ماندن یارانه ها در حساب ها
- نیاز نداشتن به نشستن کنار هفت نفر دیگر
- هم کلاس شدن با فرزندان مسئولان

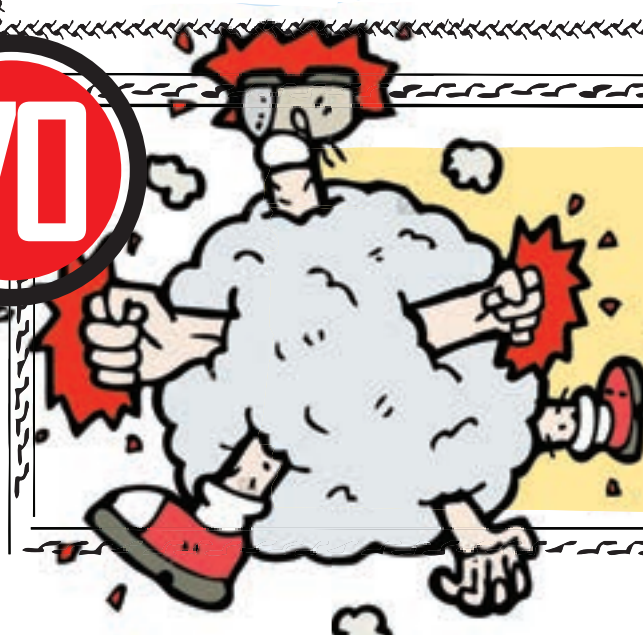
۲. شگرف ترین مزایای مدارس دولتی کدام گزینه است؟

- حجم خیلی شدید خدمات آموزشی
- حقوق نجومی معلمان
- خدمات مساوی به همه هشتاد نفر کلاس
- برپایی اردوهای تفریحی متنوع در حیاط

۳. چرا شهریه دقیق مدارس غیرانتفاعی و غیر دولتی اعلام نمی شود؟

- نوسان بالای دلار
- وجود آپشن های اضافی
- هر راز شاید گفت
- زیر صدمیلیون ارزش اعلام نداره

صفحه ۵
۱۰ تیر ۱۴۰۲
شماره ۷۸



دعوا را شروع کنید و دیگر آن را رها نکنید. اگر در کنار تمام این دستورات العمل ها از الفاظ رکیک و لحن عصبانی استفاده کنید، آن قدر دوست داشتنی می شوید که همه در کوچه و خیابان شمارا با انگشت به یکدیگر نشان می دهند.

البته بعدها تنهاترین فرد دنیا می شوید که این مهم نیست چون یک عقاب همیشه تنهاست.

یا عمدا این کار را کردید، طبق اصل «بهترین دفاع حمله است» به روی خودتان نیاورید یا از دستور العمل اول استفاده کنید.

★ سر هر چیزی دعوا راه بیندازید:

ذات انسان خشونت طلب است. پس بابت کوچک ترین اتفاقات با مردم دعوا کنید. دعوا مهم ترین راه برای نشان دادن ابهت و قدرتتان است. اگر کسی در مترو از شما خواست جابه جا شوید، بایک «نمی خوام، از به جادیکه برو!»

تغییر ساعت کاری با مجوز سران قوا بود

معاون اسنخامی ^{نفسی} اداری رئیس جمهور:

هفته روز یکبار

پلی از تفریحات سالم

صفحه ۶

هشتاد درصد

ایرانی ها به جیب رسی و

ورزش

نمی کنند

صفحه ۶

دبلی

سیاهکلی، نماینده مجلس:

ره شخصی

مدیران در ایران توسط پسر خاله و پسر عمو

انتخاب می شوند

رافعی دوست دارند

صفحه ۶

کارشناسان:

فرار سرمایه گذاران از

بخش مسکن

کشور باعث داغ شدن

هوا در بکار و باستان شد

صفحه ۶

بانک مرکزی:

مستفانه (طرح تفری)

پرداخت قبوض و

برداشت اسکناس

از خودپردازها

هیچ کارمزدی

ندارد

و عبور از جویانک ها و عابر بانک ها

صفحه ۶

چنان از شاسی بلند می گویند

که انگار نمایندگان لکسوس گرفته اند

صفحه ۶

از حجاب اب می شویم

یک عضو مجمع تشخیص:

همه می فرود

هفته به دست شان می رسد

جمعیت قانع چینی که به یکی دو وعده غذا در

شبان روز اکتفا می کنند را ما نداریم

صفحه ۶

می فوریه

نحوه اختصاص

دور ستاره خودرو

سرمیه بنزین

تغییر می کنند

اعلام شد

صفحه ۶

پان پانک

محمد جواد قلمی خواه



روش های پرهیز از خشم

روش های پرهیز از دیدن روی ماه مسئولان

روش های پرهیز از خواندن اخبار کاهش نورم بانک مرکزی

روش های پرهیز از دیدن لیست حریف های تدارکاتی تیم ملی

روش های پرهیز از خشم با دانستن قیمت خودرو ایرانی در خارج

روش های پرهیز از خشم زیر نظر اساتید سایپتو و نیکیت واحدی

روش های پرهیز از مطالعه فرمول کارمزد های جدید تراکنش ها

روش های پرهیز از پیگیری اخبار تهاجر نفت با چایی

روش های پرهیز از مشاهده لیست قیمت قالبای فابریک خودروها

روش های پرهیز از شنیدن سخنان وزیر در مورد امکانات اینترنت

روش های پرهیز از مشاهده فرمول محاسبه قیمت بلیت هواپیما

روش های پرهیز از مشاهده قیمت مرغ و گوشت

پیراگه

آرش آریایی

در حاشیه مشکلات گرفتن وام مسکن



صفحه ۶

۱۰ تیر ۱۴۰۲

شماره ۷۸

ناسوس

فرشته شایان

باز یکی هم که اومد برای فیتنس و خوش استایل شدن تون نظریه داد، همه تون بهش حمله کنین. الان شما غذا بخورین کی ضرر می کنه؟ شما یا اون؟ حتما باید اسم های عجیب غریب بذاره روش؟ اسم رژیم کتوژنیک و مدیترانه ای و جنرال موتورز که می آد خوب بلدین کلاس بذارین. این یکی رو چرا محلش نمی دیدن؟ خود جناب مسئول حتما تست زده جواب گرفته که داره به شماها نقد می کنه. بفهمین!



حبیب

امان از این ملت حریص. طبق آمار مستند، ۵۸ درصد ما مردمان طماع زیاده خواه تو سال گذشته کلا گوشت قرمز مصرف نکردیم. حجم خرید مواد غذایی مون ۳۰ تا ۳۵ درصد افت داشته. سرانه مصرف لبنیات مون ۹۰ کیلو از سرانه جهانی کمتره. خرید پوشاک هم که نصف شده. به هر حال شما هم قدرت تشخیصتون بالاست هم مصلحت ما رو خوب می دونین. چشم! همون نون و کوفتم نمی خوریم از این به بعد. مرسی... اه.



آزمند

آمار بور

یکی از مسئولان: مردم ما مثل چینی ها قانع نیستند که یک وعده غذا بخورند!



کی؟ ما؟ یه وعده؟! دور از جون داداش! زبون تو گاز بگیر خدا نیاره. من شخصا به عنوان یک Made In China غیر از وقت هایی که خوابم، در حال بالا رفتن کوفته برنجی و هورت کشیدن آش های شله قلمکار آقا جونمم. تازه فن های کونگ فو رو هم با کوفته تشویقی های استاد شیفو فرا گرفتیم. این وصله ها به ما نمی چسبه داداش. برو خدا روزی تو جای دیگه حواله کنه!



پو، پاندای

کونگ فو کار

تقدیم تاریخ ۶: خندیدن مرغ پخته!

دهم تیرماه: روز جک و شوخی

این روز رو به مسئولانی تقدیم می کنیم که برای شاد کردن دل مردم از هیچ تلاشی فروگذار نمی کنند و تک تک حرف ها و وعده هاشون رو می شه به عنوان جک و شوخی در مهمونی ها و سر سفره مطرح کرد تا جایی که حتی مرغ پخته هم ممکنه خنده اش بگیره!

یازدهم تیرماه: روز بشقاب پرنده

این روز رو به افرادی تقدیم می کنیم که از وقتی یادشون می آد، سفره شون پهن بوده و حرف های مسئولان رو سر سفره می گفتن و مرغ پخته توی بشقاب خنده اش می گرفته تا به امروز که با این قیمت های فضایی که مثل جت بالا می ره، مرغ های سفره از فرط خنده، با بشقابشون پرواز

هفدهم تیرماه: روز کباب

این روز رو هم باز به مسئولانی تقدیم می کنیم که دل و جگر زیاد دارن که قبول مسئولیت می کنن (البته درست ترش اینه که چون قبول مسئولیت می کنن، دل و جگر زیاد دارن!) چون بخش سخت کارشون همین کباب شدن دلشون به حال مردمه. حتی توی فیش حقوقی شون سختی کار می گیرن برای این کار! چون غیر از این کار که تخصصی هم انجامش می دن کار دیگه ای بلد نیستن، علاقه زیادی دارن که وارد کمیسیون سیاست خارجی مجلس بشن تا بتونن با سفره به کشورهای خارجی، ضمن انتقال تجربیات تخصصی خود، دلشون به حال مردم کشورهای دیگه هم کباب بشه! بالآخره هر جای دنیا دل آدم به جور کباب می خواد... ببخشید! یعنی کباب می شه!

کردن تا با این بشقاب پرنده برن سر سفره مسئولان و حضورا ازشون تشکر کنن بابت این شوخی های «اتومات» با مردم! مسئولان غم خوار ما هم که ناراحتی این مرغ ها رو از وضعیت مردم می بینن، همون جا می خورنشون!

سیزدهم تیرماه: روز بدون گوشت

این روز رو که دیگه می شه ماه یا فصل یا سال بدون گوشت هم نام گذاریش کرد، به وجترین های ناخواسته ای تقدیم می کنیم که به مسئولان کاری ندارن و سرشون تو کار خودشونه.

سرشون تو سطل های زباله و سر چهارراه توی پنجره ماشین های پشت چراغ تا شاید به لقمه نون و پنیر و سبزی برن برای زن و بچه شون و سر سفره از فواید وجترین بودن و مضرات گوشت صحبت کنن!

میلان

مهدی محمدی

از پریگوژین تا پریسا!

گفتم: همه این اتفاقاتی که تو روسیه افتاد سر غذا بود.

تنها مسافر صندلی عقب تا کسی که مردی با موهای جوگندمی و کت و شلوار بود **گفت:** دعوی واگنر و پوتین سر غذا بود؟

گفتم: آره دیگه. مگه سر دسته گروه واگنر که حمله کرده بودند به سمت مسکو، خودش چند سال قبل تر آشپز پوتین نبود؟ البته شما اطلاعات سیاسی تون کمه. این پریگوژین موقعی که آشپز بوده، پوتین هی چپ و راست بهش گیر می داده. مثلاً یک روز می گفته: چرا قرمه سبزی خوب جا نیفتاده؟ یک روز می گفته: چرا این ته دیگ ما کارونی ها سوخته؟ یک روز می گفته: این سیخ جوجه رو خوب نچرخوندی. خلاصه از همون وقت ها پریگوژین با پوتین لج

می شه و تو دلش می گه: حالا واستا. دارم برات!

راندنده گفت: اصلاً مگه تو کاخ کرملین، قرمه سبزی درست می کنی؟

گفتم: آره که قرمه سبزی درست می کنن. یخچال کاخ مثل یخچال خونه نیست که تو درش تخم مرغ بذارن، داخلش گوجه خیار باشه. با مواد داخلش فقط بشه املت درست کرد. یخچال فریزرهای توی کاخ ها عین این تبلیغ های تلویزیون پر از مواد اولیه و خوراکیه.

راندنده گفت: منظورم اینه که اصلاً قرمه سبزی غذای روسی نیست. ضمناً تو فکر می کنی اگه پریگوژین چهار پنج

ساعت پای گاز و امی ایستاد تا قرمه سبزی جا بیفته، این اتفاق ها نمی افتاد؟

گفتم: دقیقاً. البته غیر از غذا یک مشکل دیگه با هم داشتن. پوتین همیشه به پریگوژین اسم کاملشو نمی گفته. بهش می گفته: پری! پری جون! بعد خودش و معاونش، ممدوف، می خندیدن.

مسافر عقب گفت: منظورت ممدوفه دیگه؟

گفتم: آره، زبونم نچرخید درست تلفظ کنم. پریگوژین هم هی قاط می زده، می گفته: مگه من پریسام که مخفف اسمم بشه پری؟! خلاصه از همون اول با هم تنش داشتن.



راندنده گفت: اطلاعات دست اولی داری ها!

گفتم: تازه خبر ندارم. پریگوژین هم بعضی وقت ها می رفته دم در کاخ کرملین زنگ می زده، فرار می کرده. پوتین اعصابش خرد بوده از دستش.

مسافر صندلی عقب گفت: چی می گی آقا شما؟! کاخ کرملین که مثل خونه من و شما هفتاد هشتاد متری نیست که زنگ بزنند فرار کنند. ۲۵ هزار متر مربع مساحتشه. توش پنج تا قصر داره. چهار تا کلیسا داره. تقریباً هفتصد تا اتاق داره. چند هزار کارمند و پرسنل و محافظ داره.

گفتم: متأسفانه من همین جا باید پیاده شم وگرنه جوابتونو می دادم. و این گونه مجبور شدم یک کیلومتر قبل از رسیدن به مقصدم پیاده شوم!

ایجو، ملگتن

فاطمه بوجار

شهردار حیدری، نماینده مجلس:

جوری می گویند شاسی بلند انگار نمایندگان لکسوس گرفته اند.

(ایلنا)

رئیس کارخانه لبنیات X:

جوری می گویند یک سطل ماست ۷۰ هزار تومان انگار ۷۰ دلار است.



یک شهروند سگ گردان:

جوری می گویند سگ گردانی انگار ازدها در سطح شهر می گردانیم.



علیرضا نیکبخت واحدی، سرمربی تیم شاد کام:

جوری می گویند عکاس شهر آرا را زده انگار او را کشته ام.



عبدا... مهتدی، بنیان گذار حزب کومله:

جوری می گویند قتل عام در دهه ۶۰ انگار بمب اتم زده ایم.



اکبر طبری، سر رشته شبکه رشوه گیری:

جوری می گویند لواسان انگار بحرین را به نامم زده اند.





ناردرشور
مجید رحمانی صانع

شهر را: وعده کافی است. سبزی های آلوده کشف رود هم چنان سلامت مردم را تهدید می کنند.

هو الشافی

الا ای دل کشف رود است اینجا
به کل بهداشت نابود است اینجا
اگر چه هست سرسبز و دل انگیز
پر از سبزی آلوده است اینجا

دلم از خوردنش در پیچ و تاب است
چه گویم من که حال من خراب است
نصیب دیگران سبزی باغ و
ز ما سبزی جوی فاضلاب است

بیفتادم شبی در حال مردن
منو فوری به درمانگاه بردن
ز من پرسید دکتر که چه خوردی
بگفتم هیچ جز سبزی خوردن

به او گفتم که حال من خراب است
و هر دو روده ام در التهاب است
چه می دانستم این سبزی که خوردم
ز باران نه که رشدش از پساب است

به خود گفتم عجب گوچه خیاری
چه صیفی جات ترد و آب داری
ندونستم چه آید بر سر من
شود اوضاعم آخر اضطراری

دلم خونه دلم خونه دلم خون
ز مرزه جعفری نعنا و تر خون
همه مست اند مست از بوی ریخون
فراری هستم اما بنده از اون

شود این مزرعه نابود ای کاش
نبود این گوشه بوی کود ای کاش
نبود این فاضلاب اینجا به جایش
روان می بود چندین رود ای کاش

نمی دونم چه در این مزرعه کاشت
در آخر هم نمی دونم چه برداشت
همی دونم که با این کشتکاری
بخوانده فاتحه بر هر چه بهداشت

خدا خود می کند خوبم که شافی است
ولی ای آن که کارت وعده بافی است
تو که مسئول این وضع خرابی
بیا یک بار عمل کن وعده کافی است



شوخی
الهه آرائیان

خدایا،
مارا جزو کسانی قرار بده که سخانشان با مارک کفش، ساعت،
تلفن همراه و نوع خودروشان در تناقض نیست. آمین!

پلخمون

ضمیمه طنز و کاریکاتور روزنامه شهر آرا
ساحب امتیاز: شهرداری مشهد
مدیر مسئول: سید میثم موسوی مهر
سر دبیر: سید سجاد طلوع هاشمی
دبیر ضمانت: روزنگ حانمی
دبیر پلخمون: مجتبی نخعی راد
تلفن: ۳۷۴۸۸۸۸۱ پیامک: ۳۰۰۷۲۸۱
دریافت نسخه الکترونیک از: shahrarnews.ir

کمیک

ایده: تحریریه پلخمون

کارتون: شهرام شیرزادی

همسایه های نامیمون!

نتایج یک نظر سنجی جدید که از مخالفت ۸۶ درصدی مردم با نگهداری از سگ ها در آپارتمان حکایت داشت، در این شماره پلخمون، آپارتمان نشینی سایر جانوران اهلی و غیر اهلی را بررسی می کنیم.

